

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: پروفسور جیمز پتراس
برگردان از: عبدالله امینی- کابل
۲۱ جنوری ۲۰۱۴

تروریسم جهانی و عربستان سعودی: شبکه ترور «بندر»

تحقیقات جهانی :

عربستان سعودی از تمام ردایل برخوردار بوده و هیچ یک از فضائل یک دولت نفتی غنی مانند ونزویلا را دارا نیست. این کشور با یک دیکتاتوری خانوادگی که تحمل هیچ مخالف را نداشته و به شدت مدافعان حقوق بشر و مخالفان سیاسی را مجازات می نماید، اداره می شود. صدها میلیارد دلار از درآمد تیل توسط استبداد سلطنتی نظارت شده و سرمایه گذاری های تقلبی و احتکار آمیز را در سراسر جهان تقویت می کند. نخبگان حاکم برای حفاظت خویش متکی به خرید سلاح های غربی و پایگاه های نظامی ایالات متحده اند. ثروت ملل تولید کننده به سوی خاندان حاکم سعودی سرازیر می شود تا مصارف آنها را تمویل کند. نخبگان حاکم متعصب ترین ، عقب مانده ترین و زن ستیزترین یک شاخه مذهب تسنن یعنی "وهابیت" را تمویل می نماید.

مواجه با مخالفان داخلی که متشکل از افراد سرکوب شده و اقلیت های مذهبی اند، دیکتاتوری سعودی از همه سو تهدیدات و خطرات را احساس می نماید: در خارج از کشور ، سکولارها ، ملی گرایان و حاکمان دولتی شیعه، در سطح داخلی، ملی گرایان معتدل سنی، دموکرات ها و فمینیست ها، دار و دسته سلطنت طلبان، عنعنه پرستان و نوگرایان. در پاسخ، نظام سعودی توجه خود را به سوی تمویل، آموزش و مسلح کردن یک شبکه بین المللی تروریست های اسلامی معطوف ساخته که هدف آن حمله و از بین بردن رژیم های مخالف رژیم مذهبی - دیکتاتوری عربستان است.

مغز متفکر شبکه تروریست سعودی بندر بن سلطان است که روابط دیرینه و عمیق به سطح بالا با مقامات سیاسی، نظامی و اطلاعاتی ایالات متحده داشته است . بندر در ماکسول پایگاه نیروی هوایی و پوهنتون جانز هاپکینز تعلیم و آموزش دیده و به عنوان سفیر عربستان سعودی در ایالات متحده برای بیش از دو دهه (۱۹۸۳ - ۲۰۰۵) خدمت نمود. بین ۲۰۰۵ - ۲۰۱۱ او منشی شورای امنیت ملی بود و در سال ۲۰۱۲ به عنوان رئیس دستگاه استخباراتی عربستان سعودی منصوب شد. در اوایل، بندر در عملیات های مخفی تروریستی با همکاری سی. آی. ای. عمیقاً فرو رفت. در میان تعداد زیادی از " عملیات کثیف" خود با CIA در دهه ۱۹۸۰ ، بندر مبلغ ۳۲ میلیون دلار به جناح ضد انقلاب کونترا فرستاد تا با خلق ترور، نظام انقلابی ساندانیستا در نیکاراگوئه را سرگون سازد. در زمان تصدی خود به عنوان سفیر طور فعال در حفاظت از خانواده سلطنتی عربستان به ارتباط به حادثه بمب گذاری در برج های سه گانه و

پنتاگون در ستمبر ۲۰۰۱ داخل بود. شک و تردید موجود است که بندر و متحدان او در خانواده سلطنتی قبلاً از عملیات بم گذاری توسط تروریست های سعودی (۱۱ از ۱۹) آگاهی داشتند که با پرواز ناگهانی اعضای خانواده سلطنتی پس از اقدام تروریستی این تیوری بیشتر تقویت می شود. اسناد و مدارک اطلاعاتی امریکا در مورد پیوند سعودی - بندر تحت بررسی کانگرس می باشد.

با عالم هائی تجربه و آموزش در اجرای عملیات تروریستی مخفی، به دست آمده از دو دهه همکاری وی با سازمان های اطلاعاتی ایالات متحده امریکا، «بندر» در یک موقعیتی بود که شبکه های تروریستی جهانی خود را در دفاع از سلطنت تجرید شده، عقب گرا، آسیب پذیر و مستبد عربستان سازماندهی نماید.

شبکه ترور «بندر»

«بندر بن سلطان» عربستان سعودی را از یک نظام درون گرا، قبیله ئی و کاملاً وابسته به قدرت نظامی ایالات متحده برای بقای خویش، به یک مرکز مهم منطقه ئی شبکه گسترده تروریستی، حامی فعال مالی دیکتاتوری راستگرای نظامی (مصر) و رژیم های وابسته (یمن) و مداخله گر نظامی در منطقه خلیج فارس (بحرین) تغییر شکل داده است. بندر با استفاده از گروه های وابسته به القاعده، شاخه وهابی و سایر گروه های مسلح سنی، شبکه وسیعی از عملیات مخفی تروریستی را تمویل و تسلیح می نماید.

بندریک تروریست واقع بین است: سرکوب مخالفان القاعده در عربستان سعودی و تأمین مالی تروریست های القاعده در عراق، سوریه، افغانستان و جاهای دیگر. در آوان کار بندر یک سرمایه طویل المدت سرویس های اطلاعاتی امریکا بود، مگر وی اخیراً راه مستقلی را در پیش گرفته که در آن منافع منطقه ئی حکومت خودکامه سعودی از ایالات متحده مجزا می شود. همچنان در حالی که عربستان سعودی یک دشمنی دیرینه نسبت به اسرائیل دارد، بندر در مخالفت با قرارداد موقت بین اوپاما و روحانی، یک تفاهم مخفی و ارتباط عملی را در ضدیت با دشمن مشترک یعنی ایران با رژیم نتانیاهو به وجود آورده است.

بندر طور مستقیم و یا از طریق وکالتی در تغییر شکل صف بندی های سیاسی، بی ثبات کردن دشمنان و تقویت و گسترش دسترسی سیاسی دیکتاتوری عربستان از شمال افریقا تا جنوب آسیا، از قفقاز روسیه تا شاخ آفریقا، گاهی اوقات در همکاری با امپریالیسم غربی و زمانی دیگر به خاطر پیش کشیدن خواسته های سلطه جویانه عربستان مداخله کرده است.

شمال افریقا : تونس، مراکش، لیبیا و مصر

بندر میلیاردها دالر را برای تقویت رژیم دست راستی اسلامی در تونس و مراکش، برای سرکوب، به حاشیه بردن و تضمین ناکامی جنبش های متمایل به دموکراسی توده ئی مصرف کرده است. افراط گرایان اسلامی از دریافت حمایت مالی عربستان برخوردار بوده و تشویق می شوند که به حمایت از اسلام گرایان "معتدل" در دولت برخاسته، دموکراتیک های سکولار و رهبران سوسیالیستی اتحادیه های کارگری را در جناح مخالف نابود نمایند. روش بندر تا حد زیادی با روش ایالات متحده امریکا و فرانسه در تونس و مراکش منطبق بوده اما نه در لیبیا و مصر.

پشتیبانی مالی عربستان از تروریست های اسلام گرا و وابسته به القاعده در برابر قذافی رئیس جمهور لیبیا در یک خط با جنگ هوائی ناتو بود. هر چند که اختلافات بعداً ظهور نمود: رژیم مورد حمایت ناتو متشکل بود از نئولیبرال های سابق در مقابل القاعده مورد حمایت سعودی و گروه های ترور اسلامی و افراد مسلح قبیله ئی و غارتگران. بندر افراط گرایان اسلامی را در لیبیا تمویل نموده تا عملیات خود را در سوریه گسترش داده، جائیکه رژیم سعودی یک عملیات

وسیع نظامی را برای سرنگونی رژیم اسد سازماندهی نمود. درگیری های خونین میان ناتو و گروه های مسلح سعودی در لیبیا باعث قتل سفیر امریکا و اعضای سی. ای. ای. در بنغازی گردید. پس از سرنگونی قذافی، بندر علاقه خود را متعاقباً در حمام خونی که توسط افراد مسلح او به راه انداخته بود، قطع کرد. آنها به نوبه خود از طریق غارتگری، سرقت بانک ها، دزدی تیل و خالی ساختن خزانه های محلی حالت اکتفاء به خود گرفتند.

در مصر، بندر در هماهنگی با اسرائیل (اما به دلایل مختلف)، یک ستراتیژی تخریب و تضعیف رژیم نسبتاً مستقل محمد مرسی مربوط به اخوان المسلمین را که طور دموکراتیک انتخاب شده بود، خلق نمود. بندر و دیکتاتوری سعودی حمایت مالی از کودتای نظامی و دیکتاتوری جنرال سیسی کرد. با ۱۵ بلیون کمک و وعده های بیشتر، بندر به اردوی مصر یک شاهرگ اقتصادی و مالی داد تا مصر را از هر گونه انتقام مالی تلافی جویانه بین المللی مصون نگهدارد. اردو اخوان المسلمین را در هم کوبید و اعضای آن را به زندان انداخت و تهدید نمود که رهبران منتخب آن را اعدام خواهد کرد. برای توجیه غضب قدرت، بخشی از اپوزیسیون لیبرال چپ را که مورد استفاده قرار داده بود، غیر قانونی اعلام کرد. در حمایت از کودتای نظامی، بندر، یک رژیم اسلامی منتخب "دموکراتیک" را که در تقابل با استبداد عربستان ایستاده بود از صحنه حذف کرد. او یک رژیم دیکتاتوری همفکر در یک کشور مهم عربی را حفظ نمود، حتی اگر چه که حاکمان جدید نظامی سکولار، طرفدار غرب، طرفدار اسرائیل و کمتر ضد اسد نسبت به اخوان المسلمین اند. موفقیت بندر در چرب کردن چرخ برای کودتای مصر، یک متحد سیاسی را مصون نگاهداشت اما به آینده نا معلومی مواجه می شود.

احیای یک جنبش توده ئی جدید ضد دیکتاتوری، پیوند عربستان را هم هدف قرار خواهد داد. علاوه بر آن، بندر اتحاد دولت های خلیج فارس را تخریب و تضعیف نمود: قطر رژیم مرسی را که کمک مالی نموده و ۵ میلیارد دلار آن را به رژیم گذشته تمدید کرده بود.

شبکه ترور بندر در دراز مدت به پیمانۀ وسیع در تمویل، مسلح ساختن، آموزش دادن و حمل و نقل ده ها هزار نفر از تروریست های "داوطلب" اسلامی از ایالات متحده، اروپا، شرق میانه، قفقاز، شمال افریقا و جاهای دیگر بیشتر مشهود است... تروریست های القاعده در عربستان سعودی "شهادی اسلام" در سوریه شدند. ده ها تن از گروه های مسلح اسلامی در سوریه برای دریافت پول و اسلحه از عربستان به رقابت پرداختند. مراکز آموزشی با مربیان امریکائی و اروپائی و تأمین مالی عربستان در اردن، پاکستان و ترکیه تأسیس شد. بندر گروه عمده مسلح شورشی تروریستی اسلامی، دولت اسلامی عراق و شرق مدیترانه را برای انجام عملیات ماورای سرحدی تمویل نمود.

با حمایت حزب الله از اسد، بندر پول و اسلحه به سازمان عبدالله اعظم در لبنان تحویل داد تا انفجارات را در جنوب بیروت، سفارت ایران و شهر تریپولی انجام دهد. بندر ۳ بلیون دالر به ارتش لبنان داد تا جنگ داخلی جدیدی را بین اردوی لبنان و حزب الله دامن بزند. در هماهنگی با فرانسه و ایالات متحده، اما با کمک های مالی به مراتب بیشتر و گسترده تر در استخدام تروریست اسلامی، بندر نقش رهبری و مدیریت اصلی سه جبهه نظامی و یورش دیپلماتیک علیه سوریه، حزب الله و ایران را به دوش گرفت. برای بندر، تصاحب اسلامی سوریه به حمله سوریه اسلامی در حمایت از القاعده در لبنان منجر میشد تا حزب الله را به امید منزوی کردن ایران شکست دهد. بعداً تهران هدف تهاجم عربستان و اسرائیل و امریکا قرار می گرفت. ستراتیژی بندر بیشتر تخیل است تا واقعیت.

بندر از واشنگتن دور می شود: تعرض در عراق و ایران

عربستان یک وابسته بسیار مفید، اما بعضی اوقات خارج از اداره و اشنگتن بوده است. این به خصوص یک حالتی شده که بندر ریاست استخبارات را به دوش گرفته است: یک سرمایه طویل المدت سی. آی. ای. او همچنان آزادی عمل را به دست آورده که در بدل خدمات خود التفات دیگران را جلب نموده، خصوصاً وقتی که چنین توجهات پیشرفت سعودی وی را در ساختار قدرت سعودی بالا ببرد. ازینرو، به عنوان مثال، توانائی اش در به دست آوردن طیارات آواکس با وجود مخالفت AIPAC شایستگی وی را تثبیت نمود. طوری که توانائی بندر هم در خارج ساختن چند صد تن از اعضای فامیل سلطنتی عربستان با داشتن روابط با حادثه ۱۱/۹ با وجود سطح عالی محدودیت امنیت ملی بعد از حائنه بم گذاری شناخته شد.

در حالی که سرپیچی های دوره ئی در گذشته اتفاق افتاد، بندر در گزینش دوری جدی تر از سیاست ایالات متحده در حرکت افتاد. او به ساخت شبکه های تروریستی خود در به حداکثر رساندن سلطه عربستان به پیش رفت - حتی در جائی که با کشور های مشتری و وابسته به امریکا و عملیات مخفی این کشور در تصادم قرار گرفت.

در آوانی که ایالات متحده متعهد به حمایت از رژیم دست راستی مالکی در عراق است، بندر کمک سیاسی، نظامی و پشتیبانی مالی به تروریست های سنی "دولت عراق و سوریه اسلامی" تدارک می بیند. هنگامی که ایالات متحده "توافق موقت" را با ایران مذاکره کرد، بندر صدای مخالفت خود را بلند نموده و پشتیبان "خریداری" کرد. عربستان سعودی در بدل تعزیرات شدید تر علیه ایران، موافقتنامه یک بلیون دالری اسلحه را در جریان سفر رئیس جمهور فرانسه، اولاند، امضاء کرد. بندر همچنین حمایت خود را از ترکیب قدرت صهیونیستی اسرائیل در کانگرس در جهت تخریب مذاکرات امریکا با ایران ابراز داشت.

بندر پا را فراتر از اطاعت اصلی خود به مریدان استخباراتی امریکا گذاشت. روابط نزدیک او با رؤسای جمهور گذشته و حال ایالات متحده و اتحادیه اروپا و افراد ذی نفوذ سیاسی، او را تشویق نموده است که در "ماجرای قدرت های بزرگ" مشغول گردد. او با رئیس جمهور روسیه، پوتین ملاقات کرد تا او را متقاعد سازد از حمایت سوریه دست بردارد، یعنی ارائه تهدید و پاداش: معامله چند میلیارد دالری فروش اسلحه برای قبولی و تهدید در رها کردن تروریست های چیچن تا بازی های المپیک سوچی را به هم زنند. او اردوغان را از یک هم پیمان ناتو و حامی مخالفان مسلح میانه رو بشارسد به پذیرش "دولت اسلامی عراق و شام" مورد حمایت سعودی که وابسته به سازمان تروریستی القاعده است، تغییر داده است. بندر تلاش های فرصت طلبانه اردوغان را در امضای معاملات با ایران و عراق، ادامه همکاری نظامی اش را با ناتو و حمایت قبلی اش را از رژیم از بین رفته مرسی در مصر نادیده گرفته برای این که پشتیبانی اردوغان را برای حمل و نقل آسان تروریستان آموزش دیده سعودی به سوریه و احتمالاً لبنان بدست آورد.

بندر روابط خود را با طالبان مسلح در افغانستان و پاکستان تقویت نموده و مقاومت مسلحانه آن ها را تمویل و تسلیح می کند. همچنان برای عزیمت امریکا محلی را برای مذكرات پیش کشیده است.

بندر احتمالاً که تروریست های مسلمان اویغور را در غرب چین و چین ها و تروریست های اسلامی قفقاز در روسیه را حمایت مسلحانه نموده، حتی حینی که عربستان موافقت نامه های تیل را با چین توسعه داده و با شرکت گازپروم روسیه همکاری می کند.

تنها منطقه ای که عربستان در آن دخالت مستقیم نظامی کرده دولت کوچک بحرین در خلیج بود، جائی که نیروهای عربستان جنبش طرفدار دموکراسی را در هم شکست و سلطان مستبد محلی را به مبارزه طلبید.

بندر: ترور جهانی بر پایه های مشکوک داخلی

بندر یک تحول فوق العاده را در سیاست خارجی عربستان آغاز کرده و به نفوذ جهانی اش افزوده است. بدترین از همه، مانند اسرائیل، هنگامی که یک حاکم ارتجاعی به قدرت می رسد و نظم دموکراتیک را مضمحل می سازد، عربستان با خریطه های دالر وارد صحنه می شود تا به تحکیم رژیم مورد نظر بپردازد. هر زمانی که یک شبکه ترور اسلامی ظاهر می شود تا یک حکومت ملی، سکولار و یا شیعه را منهدم سازد، این جریان می تواند به پول و اسلحه سعودی متکی باشد. چیزی که برخی از نوشته های غربی آن را "تلاش شکننده ای برای آزاد سازی و مدرن سازی" برای رژیم عقب گرای سعودی تأکیداً توصیف می کنند، در واقعیت ارتقای نظامی فعالیت های تروریستی در خارج از کشور است. بندر با استفاده از تکنیک های مدرن از ترور می خواهد نمونه ارتجاعی سیستم سعودی را بر نظام های همسایه و دور با جمعیت مسلمان تحمیل نماید.

مشکل این است که عملیات "حادثه جویانه" وسیع بندر در خارج از کشور با سبک درون نگری حاکمیت برخی از خاندان سلطنتی در تصادم قرار می گیرد. آنها می خواهند که اذیت نشوند تا صدها میلیارد جمع آوری شده از بابت اجاره بنزین را در ملکیت های قابل توجه در سراسر جهان سرمایه گذاری نموده و بی سر و صدا دختران بلند بالا را در واشنگتن، لندن و بیروت نگهداری کرده در حالی که خود را مردم با تقوا و نگهبان مکه، مدینه و اماکن مقدس معرفی می دارند. تا کنون بندر به مبارزه کشانیده نشده است، زیرا او با دقت به پادشاه و حلقه درونی حاکم احترام می گذارد. او صدراعظم ها را از شرق و غرب، رؤسای جمهور و دیگر رجال قابل احترام را خریداری و به ریاض آورده تا با امضای معاملات و ادای تعارف و احترام خوشی حاکم مطلق را باعث شود. با آنها، رفتار خواست گرانه اش برای نظارت عملیات بیرون مرزی القاعده و تشویق افراط گرایان عربستان در رفتن بیرون از کشور و انجام عملیات تروریستی، حلقات سلطنتی را آشفته ساخته است. آن ها نگران هستند که تروریست های مسلح، آگاه و آموزش دیده عربستان سعودی به عنوان "رزمندگان مقدس" ممکن از سوریه، روسیه و عراق برگشته و قصر های شاهان را بم گذاری نمایند. علاوه بر این، ممکن است رژیم هائی که مورد هدف شبکه ترور بندر قرار گرفته مقابله به مثل نمایند: روسیه و ایران، سوری ها، مصری ها، پاکستانی ها، عراقی ها ممکن است با استفاده از ابزار خود مقابله به مثل کنند. با وجود خریداری صدها میلیارد اسلحه، رژیم عربستان در تمام سطوح بسیار آسیب پذیر است. به غیر از سپاهیان قبیله ای، نخبگان میلیاردی، حمایت کم مردمی داشته و حتی کمتر مشروعیت دارند. عربستان به کارگر مهاجر، "متخصص" خارجی و نیروهای نظامی ایالات متحده متکی است. نخبگان عربستان نیز توسط افراد بسیار مذهبی از روحانیون وهابی به خاطر اجازه دادن "کفار" در سرزمین مقدس مورد نفرت قرار دارند. در لحظاتی که بندر قدرت عربستان در خارج از کشور را گسترش می دهد، پایه های داخلی حاکمیت باریک می گردد. در لحظاتی که او با سیاست گزاران ایالات متحده در سوریه، ایران و افغانستان در ضدیت قرار می گیرد، رژیم برای حمایت خود از صف آرائی های در حال رشد نظام های خصم به نیروی هوایی و قوای هفتم آمریکا وابسته می شود.

بندر، با غرور حس خودی، ممکن است به این باور باشد که او یک "صلاح الدین" است که یک امپراتوری جدید اسلامی را بنا می کند، اما در واقعیت، با تکان دادن یک انگشت حامی اش یعنی پادشاه می تواند به اخراج سریع منجر شود. یکی این که بمب گذاری های بیش از حد و تحریک آمیز علیه مردم ملکی توسط گروه های ذی نفع تروریستی اسلامی خود می تواند به یک بحران بین المللی منجر شده که در آن عربستان سعودی آماج سرزنش جهانی قرار خواهد گرفت.

در واقعیت، بندر بن سلطان دست پرورده و جانشین بن لادن است، او تروریسم جهانی را عمیق ساخته و به آن اسلوب و قاعده داده است. شبکه ترور بندر به مراتب بیشتر از بن لادن قربانیان بی گناه را به قتل رسانده است که البته چنین انتظار می رود. او میلیاردها دالر از خزانه عربستان، آموزش از سی. ای. ای. و دست دادن نتانیاهو را دارد!